

روش شناسی تطبیقی تفاسیر کشف الاسرار میبدی و المیزان علامه طباطبایی

ابراهیم نخعی^۱

سید محمدعلی ایازی^۲

چکیده

نظر به اینکه تفسیر قرآن یکی از مهم‌ترین شاخه‌های علوم اسلامی است و از طرف دیگر بعضاً با متون ادبی و فارسی پیوند خورده است که این امر به نوبه خود موجب غنای این متون ادبی شده است. لذا بر آن شدیم که در این مقاله، تفاسیر کشف الاسرار میبدی و المیزان طباطبایی را بصورت تطبیقی روش شناسی کرده و سیر اجمالی در این دو تفسیر داشته باشیم و در نهایت تفاوت دیدگاه دو مفسر و عارف ایرانی را در فهم و دریافت از متون دینی مقایسه کرده و نقاط قوت و ضعف این دو تفسیر را شناسایی کنیم. در این مقاله جایگاه و امتیاز و بعضاً نقاط ضعف این تفاسیر مورد واکاوی قرار خواهد گرفت. آنچه که در خلال متن تفسیری کشف الاسرار دیده می‌شود صبغه عرفانی و تأویلات ذوقی است در حالی که المیزان صبغه علمی و فنی داشته و عرفان مفسر، تأثیر کمتری در نگارش وی داشته است.

کلید واژه‌ها: کشف الاسرار، تفسیر المیزان، تفسیر عرفانی، علامه طباطبایی، رشیدالدین میبدی

^۱ - دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران - ایران.

^۲ - گروه علوم قرآن و حدیث واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران - ایران. (نویسنده مسؤول)

مقدمه

از دیرباز متون دینی علی‌الخصوص متون مقدّس در سبک و غنای متون ادبی تأثیر بسزایی داشته است. یعنی نوشته‌های ادبی به فراخور متن و به میزان ارتباط با کتب آسمانی از جمله قرآن کریم، قدرت اثرگذاری و فرهنگ بخشی بیشتری بدست آورده‌اند.

«از مهم‌ترین تفاسیر فارسی می‌توان به تاج‌التراجم، ترجمه تفسیر طبری، روض الجنان، تفسیر سور آبادی، تفسیر کمبریج، کشف الاسرار میدی، تفسیر نسفی، لطائف درواجکی، ینابیع‌العلوم اندخووی و بصائر یمینی اشاره نمود که از اهمّیت خاصی در حوزه ادب فارسی برخوردارند» (اسفراینی، ۱۳۷۵: ۱۳) از میان این تفاسیر، کشف الاسرار جایگاه ممتازی از نظر سبک نوشتاری دارد که اولاً از تفاسیر ایرانی به شمار می‌آید و در ثانی سبک نوشتاری در آن ذوقی و اشاری و عرفانی می‌باشد و دیگر اینکه برای ادب پژوهان و علم آموزان ادب فارسی اهمّیت فراوانی دارد. در این مقاله به روش‌شناسی آن پرداخته شده است با این مقدمه که: کشف‌الاسرار و عدّه‌الابرار در حدود سال ۵۲۰ قمری براساس تفسیر الهروی خواجه عبدالله انصاری و در ده جلد نگاشته شده است. نسبت به تاریخچه زندگی، کتب و احوال مفسّر، اطلاعات چندان دقیقی در دست نبوده ولی با توجه به متن تفسیر کشف‌الاسرار، تبخّر و توغل ایشان در تفسیر، فقه، عرفان، حدیث و ادبیات فارسی بدست می‌آید.

ایشان در مقدمه تفسیرشان اینگونه بیان می‌دارند: «کتاب فرید عصر و یگانه روزگار، شیخ‌الاسلام ابواسماعیل عبدالله ابن محمد ابن علی انصاری را در تفسیر قرآن و کشف معانی آن خواندم که در معانی و پژوهش و زیبایی بحدّ اعجاز رسیده بود، ولی چون در نهایت فشردگی و اختصار بود، مقصود آموزندگان و رهروان از آن برآورده نمی‌شد، ازاین روی، به شرح و تفصیل آن پرداختم». (میددی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۱)

از دیگر سو تفسیر المیزان نوشته علامه طباطبائی نیز روش‌شناسی شده است با این مقدمه که: وی تفسیر المیزان را در بیست جلد و به زبان عربی در سال ۱۳۷۵ هـ ق تألیف نموده‌اند. تفسیر المیزان هم از لحاظ شخصیت علمی و مشرب عرفانی نویسنده آن و هم به جهت اینکه مبدع و مجری روش جدیدی از تفسیر قرآن به قرآن بوده است از مهم‌ترین و بهترین تفاسیر در میان اهل

سنت و شیعه می‌باشد بگونه‌ای که دکتر فهد رومی از محققین اهل سنت در این باره گفته است: «اما این تفسیر (المیزان) از بهترین تفاسیر در عصر حاضر می‌بود اگر در آن از شیعه گری و مذهب اعتزال چیزی نبود.» (فهد رومی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۲۴۹)

در این مقاله ابتدا به روش تفسیر کشف الاسرار و المیزان پرداخته و سپس به نقاط ضعف و نقاط قوت این تفاسیر اشاره‌ای گذرا خواهیم نمود.

روش تفسیر

میبدی در ابتدای تفسیر کشف الاسرار، مقدمه‌ای مؤجز بدون ورود علوم قرآنی و مقدمات تفسیر آورده و سپس از ابتدای سوره حمد تفسیر قرآن را آغاز نموده است. ایشان در ابتدای تفسیر سوره، به مکی و مدنی بودن آیات اشاره می‌کند و تعداد حروف و کلمات و آیات سوره را می‌آورد. میبدی قرائات قرآن را به فراخور متن تفسیر تا حدودی بیان می‌دارد بیان مفردات آیه و شأن نزول آیات و سبب ورود روایات و بررسی و استفاده از سایر اقوال و آراء مفسرین در کشف الاسرار به وفور دیده می‌شود و پس از آن در سه نوبت به شرح و تفسیر آیات می‌پردازد. در نوبت اول بخشی از آیات را در حدود ده یا بیست آیه انتخاب نموده و به ترجمه مقطوع و کوتاه از فواصل آیات می‌پردازد یعنی؛ تنها بخش‌هایی از آیات را که نیاز به توضیح دارد آورده و بصورت فشرده معنی آیه را بیان می‌دارد. در نوبت دوم، به تفسیر همان بخش از آیات پرداخته ولی تفسیر ایشان مطول و مبسوط نمی‌باشد یعنی به تمامی جوانب تفسیری از صرف و نحو و مباحث لغوی گرفته تا لایه‌های معنایی آیات را نپرداخته است. اگرچه وی در خلال تفسیر برخی آیات، به ناسخ و منسوخ در آیات، مفردات، قرائات گوناگون اشاره‌ای دارند. بمانند این متن: «وَ یَوْمَ یَحْشُرُهُمْ اِی اذکر یوم نحشرهم. قرأ ابن کثیر و ابو جعفر و یعقوب و حفص یحشرهم بالیاء و الباقون بالنون» (میبدی، ۱۳۷۱، ج ۷: ۱۱) وی در نوبت سوم به تأویلات ذوقی و عرفانی در مورد آیات می‌پردازد. المیزان نیز بمانند کشف الاسرار از سوره حمد شروع گشته و تا پایان جزء سی‌ام ادامه دارد. ایشان در ابتدای تفسیر سوره، به مکی و مدنی بودن آیات اشاره می‌کند. علامه قرائات قرآن را به فراخور متن تفسیر تا حدودی بیان می‌دارد و قرائتی را می‌پذیرد که با روش

قرآن به قرآن همخوانی داشته باشد. بیان مفردات آیه و شأن نزول آیات و سبب ورود روایات و بررسی و استفاده از سایر اقوال و آراء مفسرین در المیزان به وفور دیده می‌شود. البته ورود اقوال سایر مفسرین معمولاً با نقد همراه بوده و بصورت متقن رد شده و یا پذیرفته شده است. البته علامه برخلاف میبدی آیات را بصورت مفصل و آن هم در یک بخش تفسیر می‌کند نه در سه بخش^۱. علاوه بر این، روش تفسیر علامه برخلاف میبدی بصورت قرآن به قرآن می‌باشد نه تفسیر ممزوج روایی و ذوقی و عرفانی. علامه در ابتدای تفسیر، مقدمه‌ای در توضیح روش‌های تفسیری می‌آورد و از میان آن‌ها روش قرآن به قرآن را می‌پذیرد که از مبانی این روش در نظر وی، قابلیت فهم مستقل قرآن بدون نیاز به منابع دیگر می‌باشد. وی قرآن را نوری معرفی می‌کند که نیاز به غیر ندارد. ایشان آورده است که: «آن وقت چگونه ممکن است چیزی که خودش نور است، بوسیله غیر خودش، روشن شود، و چطور تصور می‌شود چیزی که هدایت است، خودش محتاج دیگری باشد، تا او را هدایت کنند، و چگونه چیزی که خودش بیان هر چیز است، محتاج غیر باشد تا آن را بیان کنند؟!» (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱: ۶) علامه با این مقدمه تفسیر روایی را از تفسیر قرآن مجزاً کرده و از منظر قرآن و نه روایات و نه ذوق عرفانی، به تفسیر آیات می‌پردازد. از دیگر مشخصات این تفاسیر می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- درنگارش میبدی به هم آمیختگی متون عربی و فارسی ملموس است در حالی که المیزان فقط به زبان عربی نگاشته شده است.

- روایات گوناگون در مورد فضیلت سوره در کشف الاسرار آمده است که علامه به این دسته از روایات بی‌توجه بوده و معمولاً آن‌ها را جعلی می‌داند.

- این تفاسیر در استفاده از اقوال دیگر مفسران و روایات شأن نزول و بررسی واژه‌های مهم و مفردات و اشاره به کنایه، مجاز و استعاره بودن برخی از عبارات مشابه هستند اگرچه نوع مواجهه با هر کدام از این مقوله‌ها متفاوت است.

- ورود تفسیر عرفانی و اشاری در کشف الاسرار بسیار مشاهده می‌شود. در حالی که در تفسیر المیزان روش علمی و فنی و قرآنی در تفسیر آیات راه‌گشا است. علامه بر خلاف میبدی روایات عرفانی و ذوقی را بصورت بسیار دقیق مورد بررسی سندی و متنی قرار داده است. در

مقابل، میبیدی در نوبت سوم تفسیر از صبغۀ عرفانی و اشاری بهره برده است که ورود تأویلات ذوقی در این بخش بسیار به چشم می‌خورد.^۲ بایستی به این مطلب اشاره نمود که تأویلات اگر مستنبط از آیات و مؤید و شاهی بر آنها باشد و بر اساس قواعد دستور زبان عربی باشد، صحیح می‌باشند ولی اگر این ظرافت‌ها رعایت نشود نوع تأویلات ذوقی بوده و خالی از اشکال نیست. بمانند تأویل ذوقی میبیدی از آیه تسمیت: «بای بسم الله اشارت دارد به بهاء احدیت، سین به سناء صمدیت، میم به ملک الهیت.» (میبیدی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۲۷)

علاوه بر تأویل ذوقی، تأویل تطبیقی نیز در کشف الاسرار مشهود است.^۳ مانند این متن؛ «بنابراین، اگر عشق، حقیقی باشد، عاشق، خود را نادیده می‌گیرد و محبوب را بر خویش ترجیح می‌دهد و بلای او را به جان می‌خرد، در صورتی که زلیخا در اینجا، گناه را متوجه یوسف کرد و گفت: «ما جزاء من أراد بأهلک سوء»، اما زمانی که عشق در وجود زلیخا به تکامل می‌رسد، به ملامت زنان اعتنایی نمی‌کند؛ چراکه «سرمایه عاشقان خود ملامت است.» (میبیدی، ۱۳۷۶، ج ۵، ۶۰)^۴

در مورد تعامل این تفاسیر با حدیث، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

میبیدی با یاد کردن حدود هزاران حدیث در طول تفسیر، و استفاده مناسب از آنها در ذیل آیات، تسلط بسیار بالایی بر احادیث و کتب حدیث داشته و احادیث فراوانی را حفظ بوده است. روایات در نظر ایشان دارای ارج و اهمیت فراوانی بوده به نحوی که علاوه بر ذکر منقولات صحابه و تابعین به سخنان مشایخ و اصحاب عرفان نیز پرداخته است.^۵ وی از تفسیر خواجه عبدالله انصاری بهره فراوان برده، و اقوال او را بعنوان «پیر طریقت» یا «پیر صوفیان» و یا «پیر بزرگ» در پی سخنان شیوا و عبارات بلیغ خود می‌آورد. ولی علامه، بیشتر از تفسیر مجمع‌البیان طبرسی بهره برده است و به اقوال برخی بزرگان و صحابه و تابعین چندان ارجی نمی‌نهد؛ زیرا در مسلک وی تنها قول معصومین حجت است آن هم اگر دارای قطعیت و سندیت کافی باشد.

شیوه مواجهه علامه با روایات برخلاف تفسیر میبیدی است. ایشان روایات ذوقی و عرفانی و روایاتی که از نظر سندی و متنی موافق قرآن نیستند نمی‌پذیرد. در نظر ایشان مطابقت متن روایت با متن قرآن، مهم‌ترین عامل برای پذیرش و یا رد روایت است. به دیگر سخن

مهم‌ترین تفاوت این تفاسیر در مواجهه با روایات، به معیارهای بررسی و پذیرش، بر می‌گردد یعنی میبدی روایاتی که با ذوق عرفانی وی سازگار است می‌پذیرد در حالی که علامه طباطبائی روایات ذوقی را نپذیرفته و علاوه بر بررسی میزان مطابقت روایت با متن قرآن به معیارهای همخوانی با ذوق و عقل سلیم، تاریخ، کلام و روایات مشابه توجه دارد.

روش میبدی، استفاده از روایات برای تفسیر و شرح آیات بوده است و روایات بصورت مبحث مستقل و روایی صرف نیامده است؛ بلکه بصورت کاملاً واضح در متن تفسیر وارد شده است در حالی که علامه از دسته‌ای از روایات در پایان بحث تفسیری با عنوان بحث روایی بهره برده است و لیکن بهره مندی ایشان از روایات آن هم در خلال تفسیر بیشتر جنبه استشهادی و تأییدی بر روش قرآن به قرآن دارد و روش تفسیری ایشان مستقل از روایات و مفاد و مضامین آنهاست.

صبغه فقهی و کلامی در این تفاسیر:

از لابه لای متن کشف الاسرار برمی‌آید که مفسر آن، فقیهی خبیر به فقه شافعی (که خود هم شافعی مذهب بوده) و نیز فقه مالک، ابو حنیفه و احمد بن حنبل بوده است. وی مباحث فقهی فراوانی را در ذیل آیات الاحکام در حد امکان بیان داشته است علی‌الخصوص مباحث فقهی مقارن^۱. در نهایت می‌توان گفت که ایشان مباحث و توضیحان فقهی خود را در ذیل آیات و با عنوان (فصل) بیان می‌دارد. از نظر کلامی ایشان متمایل به کلام اشاعره بوده و در مباحث اعتقادی بمانند قضا و قدر و جبر و اختیار، تفسیر ایشان رنگ و بوی کلام اشعری را پذیرفته است. در حالی که تفسیر المیزان هم از نظر فقهی و هم از نظر کلامی با کشف الاسرار تفاوت فراوانی دارد. علامه طباطبائی با تسلط بر فقه جعفری و با اعتقاد به مذهب اثنا عشری، به گونه‌ای دیگر به تفسیر آیات پرداخته است هم در مبحث قضا و قدر و جبر و اختیار و هم در مبحث صفات الهی و هم در آیات الاحکام.

اگرچه المیزان مباحث فقهی را بطور وسیع در بر ندارد، اما در حد امکان به آیات الاحکام و مباحث اختلافی در این آیات پرداخته است. علامه برخلاف میبدی از روش اختصار در توضیح آیات مربوط به احکام شرعی پیروی کرده است. زیرا - به گفته علامه - جای این موضوع، علم

فقه است. به دیگر سخن: «یکی از علل اختصار در توضیح آیات مربوط به احکام شرعی، تحویل عظیم مباحث فقهی است و این دگرگونی باعث می‌شود که بحث در این آیات مشابه مباحث استطرادی و خارج از تفسیر باشد. بویژه آنکه منابع احکام در احادیث زیاد بوده و آنچه در قرآن آمده صرفاً بیان حکم اساسی است و احادیث شریف متعرض فروع و قیود و حالت‌های گوناگون احکام می‌باشند. (روش علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، ص: ۳۲۷)

شعر و ادب در این تفاسیر

شاید بتوان گفت که بیشترین مشابهت کشف الاسرار و المیزان، برمی‌گردد به میزان توجه و بهره‌مندی از اشعار فارسی و عربی. چه این اشعار در خلال تفسیر باشند و یا در پایان مبحث تفسیری. به هر حال کاربرد شعر در قلم این مفسران بسیار نمود پیدا کرده است. البته میباید از اشعار عرفا و اشعاری که ذوق عرفانی دارند بیشتر بهره برده است ولی علامه در المیزان به معلقات سبعة، عنایت ویژه‌ای دارد که به نوبه خود، این نوع اشعار دارای اهمیت است. مثلاً در تفسیر کشف الاسرار آمده است: «حسن بن علی - علیهم‌السلام - زنی داشت طلاق داد او را، پس چهل هزار درم مهر آن زن بود، به وی فرستاد تا دلش خوش شود. زن آن مال پیش نهاد و گریستن در گرفت؛ گفت: متاعٌ قلیلٌ من حبيبٍ مفارقٍ؛ مرا خواسته جهان چه به کار است که کنارم تهی از یار است و دوست از من بیزار است.

کسی کش مار نیشی بر جگر زد ورا تریاق سازد، نی طبرزد

گویند این سخن با حسن بن علی افتاد، در وی اثر کرد، و او را مراجعت کرد». (میبیدی، ۱۳۷۱، ج ۱، ۶۱۵).

و در المیزان آمده است: کلمه "من" در "منکم" معنای بدلیت را افاده می‌کند، همانطور که در شعر شاعر به این معنا آمده، می‌گوید:

فلیت لنا من ماء زمزم شربةً مبردةً باتت علی الطهیان^۷

(طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۸، ۱۷۷)

نقاط ضعف و قوت تفاسیر:

۱- «قضاوت غیرمنصفانه میبدی درباره شیعه و مکتب تشیع، تا آنجا که رافضه - که بنظر وی همان شیعیانند- را گاهی مشرک، و گاهی ملعون، و گاهی معتقد به جسم بودن خدا معرفی می‌کند.» (استادی، ۱۳۷۵: ۶۵) در حالی که در تفسیر المیزان قضاوت در باره اهل سنت محترمانه بوده و حتی در نقد آراء و کتب اهل سنت، به جهت رعایت احترام نام گوینده و نویسنده آورده نمی‌شود.

۲- رسوخ تعصبات فقهی و مذهبی در تفسیر کشف الاسرار که نهایتاً موجب شده دیدگاه ایشان هم در مورد مسایل فقهی و هم مسایل کلامی بمانند تشبیه و تجسیم خداوند و آیات ولایت و اکمال دین و احادیث مدح و منقبت ائمه اطهار با واقعیت همخوانی نداشته باشد و نیز مسأله فقهی تکتف (دست روی دست گذاشتن در نماز)^۱ در تفسیر المیزان نیز نوعی گرایش فقهی و کلامی دیده می‌شود که از آن جمله می‌توان به عصمت تمامی انبیاء از تولد تا فوت اشاره نمود در حالی که می‌توان شرایط انبیاء را متفاوت دانسته و برخی را قبل از بعثت و برخی را بعد از بعثت معصوم دانست.

۳- روایات موضوعه و ضعیف و روایاتی که در حیطه اسرائیلیات می‌باشد در تفسیر کشف الاسرار بسیار نمود پیدا کرده‌است. بمانند داستان مربوط به آدم و حوا و روایت «أنا معاشر الانبیاء لا نورث و ترکناه صدقه» (میبدی، ۱۳۷۱، ج ۷: ۱۸۹) (که منسوب به پیامبر اکرم بوده و بدین معنی می‌باشد: (ما پیامبران، بعد از خود برای کسی ارث نمی‌گذاریم مگر اینکه آن را بصورت صدقه داده باشیم). ولی تفسیر المیزان به شدت در این مورد مقاومت کرده و روایاتی را که اسرائیلی بوده و از برخی مصادر یهودی و مسیحی صادر شده است نمی‌پذیرد بمانند روایات وارده درباره داستان حضرت خضر و حضرت موسی^۱ (علیهم السلام) که اسرائیلیات این باب را اینگونه طرد می‌کند: «و از همه مطالب غریب‌تر روایاتی است که علمای یهود که به اسلام گرویدند- از قبیل وهب ابن منبه و کعب الاحبار- نقل کرده و یا اشخاص دیگری که از قرائن به دست می‌آید از همان یهودیان گرفته‌اند، نقل نموده‌اند. بنا بر این دیگر چه فائده‌ای دارد که ما به نقل آنها و

استقصاء و احصاء آنها با آن کثرت و طول و تفصیلی که دارند پردازیم؟» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۳: ۳۶۹)

۴ - سبک نوشتار و نثر عرفانی و ادبی میبیدی در کشف الاسرار از جمله ویژگی‌ها و نقاط قوت این تفسیر می‌باشد. وسعت دامنه لغات به همراه کلام مُسَجَّع و مُقَفَّی و ذوق عرفانی مفسر در جای جای کشف الاسرار مشهود است بمانند این متن: «گفته‌اند: صاحب دل چهار کس‌اند، زاهد است دل او بشوق خسته، خائف است دل او با شک شسته، مرید است دل او بخدمت کمر بسته، محب است دل وی بحضرت پیوسته» (میبدی، ۱۳۷۱، ج ۴: ۳۷) اما در تفسیر المیزان، نوع نگارش متن بصورت عربی بوده و به شکل نثر کشف الاسرار مسجع نمی‌باشد زیرا از نظر علامه بیشتر جنبه علمی و فنی آیات مدنظر بوده و صبغه عرفانی در قلم و اندیشه مؤلف کمتر به چشم می‌خورد.

۵ - حبّ علی و ارادات به پیشگاه اهل البیت در کشف الاسرار به خوبی نمود پیدا کرده است. اگرچه میبیدی به عنوان یک مفسر اهل سنت بوده و در برخی آیات گرایش کلامی خویش را حفظ نموده است ولی در بخش‌هایی از تفسیر کشف الاسرار، حقیقت فوق نمایان است. ایشان در هنگام ذکر اقوال ائمه با احترام از آن‌ها یاد می‌کند. بمانند این متن: «و پیغامبر (ص) گفت: چون الله تعالی بنده‌ای را دوست دارد، به جبرئیل خطاب کند که من فلان را دوست می‌دارم، شما که اهل آسمانهایید او را دوست دارید، اهل آسمانها او را دوست دارند، آن گه در زمین محبت وی در دل خلق افکند تا زمینیان او را دوست دارند، و در بغض همچنین. براء عازب گفت که: پیغامبر (ص) علی (ع) را گفت: «یا علی قل اللهم اجعل لی عندک عهدا، و فی صدور المؤمنین ودا»، فانزل الله تعالی هذه الآیة، فما من مؤمن آلا و هو یحب علیاً^۹». (میبدی، ۱۳۷۱، ج ۶: ۸۵) تفسیر المیزان نیز بخاطر شیعه بودن مفسر و همچنین استدلال قوی و منطقی در اثبات حقانیت ولایت علی (ع)، آکنده از عباراتی است که حب علی (ع) و ولایت ایشان را در کل قرآن علی الخصوص در آیات ولایت و اکمال دین نشان می‌دهد.

نتیجه‌گیری

تفسیر کشف الاسرار میبدی و تفسیر المیزان اثر علامه طباطبائی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین تفاسیر می‌باشند. تفسیر کشف الاسرار به جهت صبغه ادبی و عرفانی و نثر مُسَجَّع آن و تفسیر المیزان به جهت روش متقن علمی و فنی آن. تفسیر کشف الاسرار به جهت سبک خاص نوشتاری مفسر و وجود اقوال و آراء و احوال اهل عرفان و روایات منقول عرفانی بسیار حائز اهمیت می‌باشد و تفسیر المیزان به رغم این که مؤلف آن، خود از اهل عرفان می‌باشد، این ذوق عرفانی در روش علمی مفسر تأثیر نداشته و مفسر به روش قرآن به قرآن و ارتباط آیات به یکدیگر به تفسیر قرآن پرداخته است. وجود شعر فارسی و عربی از دیگر مشخصات و برجستگی‌های این تفاسیر می‌باشد. در این مقاله پس از بیان نقاط ضعف و قوت به این نتیجه می‌رسیم که نقاط قوت و امتیازات این تفاسیر بیش از نقاط ضعف احتمالی می‌باشند. گستره استفاده از آیات و روایات و اقوال دیگر مفسرین ماندگاری و اهمیت این تفاسیر را افزایش می‌دهد و در نهایت می‌توان این گونه بیان داشت که تفاسیر مذکور هم از جهت نوشتار و هم از جهت ساختار و هم به لحاظ بیان مسایل ناب عرفانی و علمی، می‌توانند مورد استفاده همه و علی‌الخصوص اهل ادب و قرآن پژوهان قرار گیرند. امید است این مقال موجب آشنایی بیشتر محققین ادب فارسی و علوم قرآنی با شیوه‌های تفسیری گردد.

تعلیقات:

- ۱- البته علامه در پایان تفسیر بحث‌های گوناگونی را بعنوان بحث روائی، بحث فلسفی، بحث تاریخی و... می‌آورد که مستقل از روش و منهج تفسیری ایشان است.
- ۲- میبیدی در نوبت سوم کتاب خود، آیات قرآن را تأویل می‌کند (انزایی‌نژاد، ۱۳۷۴: ۱۷۷).
- ۳- در این نوع تأویل، مفسر می‌کوشد آیات قرآن را بر مشرب عرفا و صوفیان تطبیق دهد. به عبارت دیگر، یکی از اصول تصوّف را که مربوط به مدارج ارباب سلوک یا شرح مقامات و یا احوال و کرامات است، با آیات قرآن تطبیق می‌دهد و تلاش می‌کند منشأ آن اصول را قرآنی نشان دهد. (اسعدی فیروز آبادی، ۱۳۹۲: ۱۹۸)
- ۴- این سخن، ما را به تأویل تطبیقی میبیدی از آیه رهنمون می‌سازد و نشان می‌دهد او از قضیه ملامت کردن زنان مصر زلیخا را، به بیان عقیده ملامتیه گریز زده است؛ طریقتی که پیروانش تظاهر به حدود و ظواهر شریعت را مغایر با اخلاص در عمل می‌دیدند. (اسعدی فیروز آبادی، ۱۳۹۲: ۲۰۷)
- ۵- رشیدالدین میبیدی در تفسیر خود به روایات منقول از صحابه و تابعین اعتماد می‌کند و همچنین بر اقوال مفسرین پیشین و اصحاب عرفان، همانند ابی عبدالله سهل تستری، و ذوالنون مصری، و بایزید بسطامی و دیگران. (ایازی، ۱۳۷۳: ۵۹۰) و نیز از سخنان برگزیده صوفیانی چون «رابعه عدویه»، و سری سقطی، و جنید و بایزید، و شبلی بغدادی به شیرینی بیان خود می‌افزاید. (رادمنش، ۱۳۷۴: ۲۲۵) و (شاهرودی، ۱۳۸۳: ۲۵۵)
- ۶- بمانند موارد زیر: تقلید، ج ۱، ص ۶۲، حیض ۵۹۷/۱، غسل‌های واجب ۲۵۷/۲، تیمم ۵۲۱/۲، قبله ۳۸۵/۱ و ۴۰۰، نماز و ارکان آن ۶۴۴/۱، احکام قصر در نماز، ۶۵۴/۲، فی کیفیت الصلاة ۲/۶۷۷، نماز خوف ۶۵۸/۲، صیام، ۴۸۷/۱، زکاة ۷۲۷/۱، فرائض و ارکان حج ۵۲۰/۱، حرم و حدود حرم و جنگ در حرم ۳۴۹/۱، شرائط حج و استطاعت ۲/۲۱۷، بیع و شرائط آن ۷۴۹/۱، ربا ۷۵۵/۱، احکام هدیه ۲/۶۱۷، تذکیر حیوانات ۳/۱۲، حرمت خمر ۳/۲۲۴ و ۵۸۶/۱، تعدد زوجات ۲/۴۰۹، محرّمات نسبی و سببی ۲/۴۶۲، انواع زنهاى در عده ۱۰/۱۴۵، لعان ۶/۴۹۱، شهادت دادن ۱/۷۶۹، قسم و یمین ۱/۶۰۳، ارث ۲/۴۳۵، احکام قتل ۲/۶۳۱ و کيفر راهزنان ۳/۱۰۲. و در سورة البقرة پانزده مثل است، و صد و سی حکم، و خود در آیه دین چهارده حکم است، و جمله سوره دویست و هشتاد و شش آیت است بعدد کوفیان. (میبیدی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۴۱)
- ۷- یعنی: ای کاش برای ما بود به جای آب زمزم و بدل از آن شربتی خنک که شبی بر قله کوهی مانده باشد، و نسیم کوه خنکش کرده باشد.
- ۸- روی انّ التّبی (ص) قال: انا معاشر الانبياء امرنا بثلاث، بتأخير السّحور و تعجيل الفطر و وضع اليمين على الشّمال فى الصّلاة. (میبیدی، ۱۳۷۱، ج: ۶۳۸) یا مثلاً، در ذیل آیه (الرحمن على العرش استوى) آورده است که: «پروردگار هفت جای در قرآن یاد کرد که من بر عرش مستویم. شیخ الاسلام انصاری گفت قدس الله روحه، استواء خداوند بر عرش در قرآنست و مرا بدین ایمانست، تأویل نجویم که تأویل درین باب طغیانست، ظاهر قبول کنم و باطن تسلیم، این اعتقاد ستیانست، و نادر یافته بجان پذیرفته طریقت ایشانست» (میبیدی، ۱۳۷۱، ج: ۶: ۱۱۲).
- ۹- بگو خدایا برای من در نزد خودت عهدی قرار بده و در قلوب مؤمنین نسبت به من دوستی قرار بده پس خداوند این آیه را نازل نمود. که هیچ مؤمنی نیست مگر اینکه علی(ع) را دوست بدارد. برای تفسیر بیشتر رجوع شود به (شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا، ج: ۲: ۶۳) و (ابن المغازلی، مناقب الامام علی بن ابیطالب، ۱۶۲) و (فیروزآبادی، فضائل الخمسه من الصحاح الستة: ۲/ ۲۰۸)

فهرست منابع و مآخذ

- ۱- قرآن کریم
- ۲- ابن مغزالی شافعی، (۱۴۲۴ق)، مناقب الإمام علی بن أبی طالب علیه السلام، بیروت، دارالأضواء، سوم.
- ۳- استادی، رضا، (۱۳۷۵)، ابوالفضل میبدی و تفسیر کشف الاسرار، کیهان اندیشه، دوره ۱۱، شماره ۶۵.
- ۴- سعیدی فیروزآبادی، مریم السادات، (۱۳۹۲)، بررسی دیدگاه‌های عرفانی رشیدالدین میبدی در آیات مربوط به «زن» در کشف الاسرار، نشریه ادب فارسی، دوره ۳، صفحات (۱۹۷، ۲۱۶).
- ۵- سفرایینی، ابوالمظفر شاهفور بن طاهر، (۱۳۷۵)، تاج التراجم فی تفسیر القرآن للاعاجم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول.
- ۶- الاوسی، علی، (۱۳۸۱)، روش علامه طباطبائی در تفسیر المیزان، تهران، چاپ و نشر بین‌الملل، اول.
- ۷- انزابی نژاد، رضا، (۱۳۷۴)، در باره کشف الاسرار و مؤلف آن، جلالی پندری، مجموعه مقالات درباره تفسیر کشف الاسرار، انتشارات یزد.
- ۸- ایازی، سید محمدعلی، (۱۳۷۳)، المفسرون حیاتهم و منهجهم، تهران، وزارت ارشاد، چاپ اول.
- ۹- رادمنش، سید محمد، (۱۳۷۴)، آشنایی با علوم قرآنی، تهران، علوم نوین، چاپ چهارم.
- ۱۰- رومی، سلیمان فهد، (۱۴۰۷ق)، اتجاهات التفسیر فی القرآن الرابع عشر، وزارة الثقافة المملكة العربیة السعودیة، چاپ اول.
- ۱۱- شاهرودی، عبدالوهاب، (۱۳۸۳)، ارغنون آسمانی، جستاری در قرآن، عرفان و تفاسیر عرفانی، رشت، کتاب مبین، چاپ اول.
- ۱۲- شیخ صدوق، (۱۳۷۸ق)، عیون أخبار الرضا علیه السلام، تهران، نشر جهان، چاپ اول.
- ۱۳- فیروزآبادی، سیدمرتضی، (۱۳۹۲ق)، فضائل الخمسة من الصحاح الستة، تهران، انتشارات اسلامیة، چاپ دوم.
- ۱۴- میبدی، رشیدالدین، (۱۳۷۱)، کشف الاسرار و عدّة الابرار، تهران، انتشارات امیر کبیر، پنجم.